

درجه

خاطرات بولتون درباره لغو حمله آمریکا به ۵ هدف درایران
روایت حمله‌ای که انجام نشد

- انتشار و ترجمه بخش‌هایی از کتاب خاطرات جان بولتون این روزها تاریخ نزدیکی را برپایمان افشا می‌کند. تاریخ روزهای پرتلاهب سال گذشته؛ روزهای اشتیاق وصفناشدنی واشنگتن به مذاکره با تهران و روزهایی که احتمال حمله به ایران می‌رفت.

بولتون در کتاب خاطراتش با نام «اتاق حوادث» یا «اتاقی که در آن اتفاق افتاده» به روایت حوادثی پرداخته است که بخشی از آن را در ادامه می‌خوانید: خبرگزاری فارس بخشی از این کتاب را این‌گونه روایت کرده است: «جان بولتون»، مشاور امنیت ملی سابق کاخ سفید نوشته که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، سال‌ گذشته میلادی (۲۰۱۹)، از «آبه شینزو»، نخست‌وزیر ژاپن، درخواست کرده بود که میان واشنگتن و تهران میانجیگری کند که البته امیدی نداشت آبه بتواند در این مأموریت موفق عمل کند». آبه شینزو در ژوئن ۲۰۱۹ (۲۰ خرداد ۹۸) به ایران سفر کرد. بولتون در کتاب خود درباره سفر نخست‌وزیر ژاپن به تهران نوشته است که بعد از آنکه آبه موفق نشد در مأموریت میانجیگری میان واشنگتن و تهران موفق عمل کند، ترامپ در تماسی تلفنی به او گفت نباید از شکست کامل در این مأموریت احساس گناه کند.

بولتون همچنین در کتاب خود نوشته است که ترامپ انتظار نداشت نخست‌وزیر ژاپن در این مأموریت موفق شود و به‌همین‌دلیل از نتیجه سفر او به تهران به‌هیچ‌عنوان متعجب نشد.

بولتون در کتاب خود یادآوری کرده است که در ابتدا در جریان درخواست ترامپ از آبه برای میانجیگری میان آمریکا و ایران نبوده است. «برای من روشن بود که ترامپ، آبه را وارد نقشی می‌کند که احتمالا به شکست منتهی می‌شود». در کتاب بولتون نام ایران بیش از هر کشور دیگری تکرار شده است؛ ۳۲۲ بار تکرار، بالاتر از روسیه، چین و کره شمالی. بی‌بی‌سی نیز در ترجمه بخشی از این کتاب در گزارشی نوشته «گزارشی بولتون که به تدریوی در سیاست خارجی شهرت دارد، در کنایش نوشته که چطور منصرف‌شدن آقای ترامپ از حمله به ایران او را به آستانه استعفا کشانده بود و این تنها یکی از دفاعاتی است که او می‌خواست استعفا دهد».

در میان ۱۴ فصل این کتاب، دو فصل طولانی‌تر به ایران اختصاص دارد. آقای بولتون در فصل سوم کتاب با عنوان «آمریکا آزاد شد»، درباره خروج از توافق هسته‌ای با ایران نوشته که به گمان او به‌نوعی آزادی آمریکا بود. در فصل دوازدهم هم نویسنده دوباره به موضوع ایران بازمی‌گردد و این‌بار درباره تنش‌های بین دو کشور و تلاش‌های کشورهای دیگر برای ایجاد ارتباط بین ایران و آمریکا می‌نویسد. طبیعتا در همین فصل است که او از تلاش‌های کشورهای عربی و اسرائیل برای برقرارنشدن دیدار بین سران دو کشور هم یاد می‌کند و البته در همه ۱۴ فصل و مؤخره کتاب یادی از ایران هم می‌شود.

هم عقیده اما یک کم تندتر

«من و تو درباره ایران هم‌عقیده هستیم؛ اما تو کمی سخت‌گیرتری». این جمله رئیس‌جمهوری آمریکا به جان بولتون است که در کتاب آمده و آقای بولتون در تایید می‌گوید: «صد درصد».

بولتون درباره خروج آمریکا از برجام نیز می‌نویسد که قرار بود آمریکا خروج خود از برجام را در روز هفتم ماه می ۲۰۱۸ اعلام کند. اما چون بانوی اول آمریکا در آن روز قرار بود برنامه خبرسازای داشته باشد، اعلام تصمیم آمریکا با یک روز تأخیر انجام می‌شود.

پیش از اعلام خروج از برجام، رئیس‌جمهوری آمریکا تلفنی با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، صحبت می‌کند. جان بولتون درباره این تماس نوشته است: «ترامپ گفت بزدوی بی‌بینه‌ای درباره ایران صادر می‌کند و از او در حالت تقریبا بی‌جگانه‌ای پرسید که آیا شی می‌خواهد بداند تصمیم او چیست. شی گفت مثل اینکه اولش می‌خواهد بگوید. ترامپ هم در حالتی شبیه به «چرا که نه؟» به او گفت».

بنا به نوشته جان بولتون، واکنش رهبر چین طوری بود که به آقای ترامپ بفهماند او قصد ندارد این موضوع را عاملی برای سایه‌انداختن بر روابط دو کشور کند.

حمله‌ای که انجام نشد

واقعۀ دیگری که آقای بولتون مفصل ماجراهای پشت پرده آن را نوشته، ماجرای حمله‌ای به ایران است که آمریکا طراحی کرده بود و انجام نداد. بعد از اینکه ایران، یک هواپیمای بدون خلبان آمریکایی را زد، گروهی از مشاوران و وزرای آقای ترامپ دور هم جمع شدند و برای حمله تلافی‌جویانه به ایران برنامه‌ریزی کردند. آقای بولتون نوشته که او و وزیر خارجه می‌خواستند به تعداد بیشتری از اهداف در ایران حمله کنند، اما سرپرست وزارت دفاع و رئیس ستاد مشترک ارتش می‌گفتند که سه هدف کافی است. این گروه تصمیم می‌گیرند برای همان سه هدف برنامه‌ریزی کرده و به آقای ترامپ گزارش کنند. جلسه به پایان می‌رسد و قرار می‌گذارند ساعت ۹ شب به وقت شرق آمریکا حمله انجام شود... حدود ساعت ۱۹:۲۰، او هنوز در ترافیک سنگین شهر بود که از کاخ سفید با او تماس می‌گیرند و آقای ترامپ به او می‌گویند که خیال ندارد حمله را انجام دهد. وکیل شورای امنیت ملی آمریکا به آقای ترامپ گفته بود که ممکن است ۱۵۰ نفر در این حمله کشته شوند و آقای ترامپ فکر کرده بود که یک هواپیمای بدون سرنشین چنین ارزشی ندارد.

شرق: رئیس‌جمهوری برای بار چندم موضوع خود درباره مذاکره در چارچوب برجام با آمریکا را این‌گونه یادآور شده است: «آماده مذاکره‌ایم، اگر عذرخواهی کرده و ضرر را جبران کنند». دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا که خود را برای انتخابات پیش‌رو در آمریکا آماده می‌کند، روز شنبه در بین هواداران خود گفته بود: «اگر ایران تا انتخابات آمریکا برای مذاکره صبر کند، باید برای توافق دوبرابر هزینه بپردازد». او همچنین مدعی شده بود: «ایران به شدت دنبال یک توافق است، من به آنها گفتم. ما می‌توانیم منتظر بمانیم اما وقتی من پیروز شدم، شما هزینه بالاتری را برای توافقی که اکنون می‌توانید داشته باشید، باید بپردازید. ایران هم می‌خواهد جو بایدن برنده شود. بگذارید صریح به شما بگویم. من می‌توانم سریع‌ترین و بهترین توافق ممکن را با ایران انجام بدهم، اما آنها می‌خواهند من بیازم تا مالک و صاحب آمریکا شوم». حسن روحانی اما روز گذشته در جلسه هیئت دولت تلویحا به سخنان ترامپ پاسخ داد و گفت: «آنها می‌گویند ایران معطل انتخابات آمریکاست در حالی که ما معطل هیچ چیزی نیستیم. ما همیشه آماده‌ایم، هر لحظه که آمریکا اعلام کند به مقررات سازمان ملل باز می‌گردد، تعهدات خود در برجام را اجرایی می‌کند و کنگره و کاخ سفید از مسیر اشتباه خود بازگردند، ما همان لحظه آماده مذاکره‌ایم. آنها باید تسلیم قانون شوند، عذرخواهی کرده و ضرری که به ملت ایران وارد کردند جبران کرده و غرامت بپردازند. زیرا آنها نیز مذاکره را شکندند». او ادامه داد: «البته ما می‌دانیم این تعارفات بی اساس، حرافی است برای انتخابات و گرفتاری‌هایی که دارند. اگر آنها دروغ نمی‌گویند، راه مذاکره آسان است. آنها باید عذرخواهی کرده و به برجام بازگردند». اینکه آیا دولت مایل است با آمریکا و رؤسای جمهور فعلی یا بعدی آن درباره برجام مذاکره کند یا خیر، نکته‌ای است که بارها از حسن روحانی سؤال شده است. سال گذشته بود که او در نشست خبری خود در پاسخ به پرسش خبرنگار سی‌بی‌اس آمریکا درباره احتمال مذاکره با رئیس‌جمهور بعدی آمریکا گفته بود: «مشکل» ما مواجهه با رئیس‌جمهور آمریکا یا مذاکره نیست بلکه این است که آیا در مذاکره خواسته مردم ما مشکلات آنان و مسائل آنها تأمین می‌شود یا نه. برای ما مهم نیست که رئیس‌جمهوری در آمریکا چه کسی باشد؛ البته ویژگی‌های آقای ترامپ هم هست که هر روز حرف خود را عوض می‌کند و یک روز کسی را واسطه می‌کند و فردا می‌گوید من به او چیزی نگفتم‌ام یا توبیت می‌کند و در آن چیز دیگری می‌گوید که این ویژگی‌های اخلاقی کار را نه صرفا برای ما بلکه همه دنیا سخت کرده است. ما پیش از این هم گفتیم که هر وقت آمریکا تحت آن شرایطی که گفتیم اگر

فرانک آرتا: به‌تازگی با حکم حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، محمد مهدی دادمان به ریاست حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی منصوب شد. این مدیر جوان ۳۲ساله، فرزند کوچک شهید رحمان دادمان، وزیر وقت راه‌وتباری دولت اصلاحات است که ظاهرا برخلاف پدرش گرایش‌های سیاسی او به اصولگرایان نزدیک‌تر است. با این انتصاب فرصتی فراهم شده تا به عملکرد مدیران حوزه هنری در ادوار مختلف نگاهی بیندازیم. حوزه هنری یکی از نهادهای مهم فرهنگی – هنری است که زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی اداره می‌شود.

پیش از دادمان، محسن مؤمنی‌شریف، حسن

بنیانیان و محمدعلی زم ریاست این سازمان را بر

عهده داشتند. در میان همه این مدیران، محمدعلی زم بیشترین عمر مدیریت را داشت. به طوری که مخالفان او تمام تلاش خود را کردند تا ریل‌گذاری او را در این سال‌ها تغییر دهند.

حوزه هنری

در ابتدا، این نهاد فرهنگی در حوالی سال ۱۳۵۷خورشیدی تحت عنوان «تاکون نهضت فرهنگی اسلامی» به ابتکار مرحوم طاهره صفارزاده تأسیس شد. اما چندی بعد با عنوان «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» به کار خود ادامه داد. در ابتدای دهه ۶۰ خورشیدی به مجموعه سازمان تبلیغات اسلامی پیوست. هسته اولیه این نهاد به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب برمی‌گشت. محمدعلی زم- زاده آبان‌ماه ۱۳۳۴- در سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۴ در مساجد تهران در کنار گروهی از هنرمندان همفکر مانند مجید مجیدی، فرج‌الله سلحشور، سعید کش‌فلاح و... فعالیت‌های فرهنگی – هنری خود را با رویکرد مذهبی انجام می‌دادند. به طوری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های خودجوش این گروه، شکل منسجمی به خود پیدا کرد و در فضای «حوزه هنری» شکل رسمی به خود گرفت.

مدیریت محمدعلی زم از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۰ طول کشید که در این مسیر، فرازوفرودهای بسیاری داشته است؛ به طوری که در دوره‌ای یکی از مراکز تأثیرگذار هنری محسوب می‌شد که به‌ویژه در بخش سینما کارهای ماندگاری انجام شد و البته مخالفان سرسختی هم داشت. در این مدت حجت‌الاسلام زم تلاش کرد هنرمندان مختلف را جذب کند تا بتواند آثار هنری – اسلامی مبتنی بر ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس خلق کند. به همین دلیل طیف‌های مختلفی از هنرمندان در دور هم جمع کرد که می‌توان به افرادی مانند محسن مخملباف، مرتضی آوینی، قیصر امین‌پور، فریدون عموزاده خلیلی، امیرحسین فردی، طاهره صفارزاده، ابوالفضل عالی، سیدحسن حسینی، محمد کاسبی، رسول ملاقلی‌پور، فرج‌الله سلحشور، سعیدعلی میرفتاح، حسین خسروجردی، احمد عزیزی، مهرداد اوستا، سیدیه کاشانی، سلمان هراتی، علی وزیریان، نصرالله مردانی، علیرضا قزو و محمدرضا آقاسی اشاره کرد.

هرچند با بروز و ظهور وقایع اجتماعی، گرایش‌های سیاسی و تشعبات هر یک از هنرمندان، به مرور این حلقه هنرمندان تنگ‌تر شد؛ تا جایی

سیاست

حسن روحانی: معطل انتخابات آمریکا نیستیم



تحریم‌ها را لغو کرد حاضر به مذاکره هستیم». او مهر سال گذشته در سفر به سازمان ملل متحد نیز گفته بود: «به صراحت گفتیم که کاملا آماده مذاکره‌ایم اما نه در فضای تحریم و فشار. شما یک فضای آزاد و عادلانه ایجاد کنید؛ ما کاملا آماده‌ایم. حتی به سرران اروپا که می‌گفتند چه وقت آماده جلسه ۵+۱ هستیم، می‌گفتم حتی اگر یک ساعت دیگر شما این فضای مناسب را درست کنید و فضای مسموم و سم را بردارید، حاضریم در جلسه ۵+۱ شرکت کنیم».

آژانس انرژی اتمی را وادار به نیش قبر کردند

رئیس‌جمهور از آژانس انرژی هسته‌ای و کشورهای اروپایی نیز کله کرد و گفت که اروپا شرمندۀ ماست و به وظایف خود درباره برجام عمل نکرده‌اند. روز جمعه بود که شورای حکام آژانس انرژی اتمی قطع‌نامه‌ای که از جانب تروئیکا اروپا ارائه شده بود، تصویب کرد. متنی که از جانب فرانسه، آلمان و انگلیس ارائه شده و از ایران می‌خواهد عدم دسترسی به دو محل را برای آژانس متوقف کرده و به طور کامل با این نهاد همکاری کند. قبل از این جلسه، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه توبیت کرده بود: «شورای حکام نباید اجازه دهد که دشمنان برجام، منافع عالی ایران را به خطر اندازند. سه کشور اروپایی که به وظایف خود در برجام عمل نکرده‌اند، نباید آلت فعل (این کار) باشند. ما چیزی برای پنهان‌کردن نداریم. بازرسی‌های آژانس در ایران طی پنج سال گذشته، از کل بازرسی‌ها در تاریخ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیشتر بوده است. راه‌حل مبتنی‌بر توافق امکان‌پذیر است، ولی صدور قطع‌نامه آن را نابود خواهد کرد». روحانی روز گذشته در هیئت دولت گفت: «تاکون رفتار ما با آژانس، دوستانه و قانونی بوده و ما با آژانس همکاری داشته‌ایم و بازسان آنها

بررسی کارنامه اولین مدیر حوزه هنری به بهانه انتصاب محمد مهدی دادمان سر نوشت «زم»

دوربین رفت و هزینه حضور بازگرائی مثل اکبری عبدی، داریوش ارجمند و پرویز پرستویی «آدم‌برفی» را به یکی از پروژه‌های گران زمان خود تبدیل کرده بود. «آدم‌برفی» در سال ۷۳ در یکی دو سانس در جشنواره سیزدهم فیلم فجر و در سینماهای حوزه

هنری نمایش داده شد. ولی بعدا از برنامه‌های جشنواره حذف شد. در نهایت فیلم به مدت سه سال توقیف شد و سال ۱۳۷۶ در سینماها اکران شد که با فروشی ۱۲۵ میلیون تومان در تهران مواجه شد. دلیل توقیف فیلم، زن‌پوش‌شدن اکبر عبدی که برخلاف موازین شرعی بود، معرفی شد.

ایده اصلی فیلم از آن داوود میرباقری بود که البته زم از آن حمایت کرد. اما درنهایت گروه‌های فشار و چهره‌های مطرح انصار حزب‌الله در زمان اکران فیلم به سینماها حمله کردند. مسعود دهنمکی یکی از چهره‌های مشهور مخالف فیلم بود. هرچند ده‌نمکی سال‌ها بعد فیلم‌ساز شد و با ساختن فیلمی مانند «رسوایی» با بازی الناز

فرزند یک سیاست‌مدار اصلاح‌طلب

محمد مهدی آخرین فرزند رحمان دادمان است. وزیر راه دولت اول خاتمی و معاون اول احتمالی دولت دوم او که سال ۸۰ در حادثه هوایی جان باخت. دادمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از دانشجویان موسوم به خط امامی بود که در جریان تسخیر سفارت آمریکا نیز نقش داشت. او پیش از انقلاب در دانشگاه تهران مهندسی راه و ساختمان خوانده بود. دامن‌ا پس از انقلاب به سپاه پیوست و سال ۶۰ نیز به عنوان نماینده تبریز راهی مجلس شد. اما اعتبارنامه‌اش تأیید نشد تا دوباره به سپاه بازگردد و تا پایان جنگ مسئولیت‌هایی همچون مسئول ستاد عملیاتی سپاه پاسداران، جانشین معاونت کل لجستیک و تدارکات سپاه و قائم‌مقام عضو هیئت امنای جهاد سازندگی و همچنین معاون آموزش جهاد داشت. او که از دانشگاه تهران در رشته عمران کارشناسی ارشد گرفته بود سال ۱۳۶۹ در آزمون اعزام به خارج برای اخذ مدرک دکترا پذیرفته شد و به عنوان دانشجوی بورسیه وزارت علوم عازم شهر منچستر انگلستان شد. دامن‌ا پس از پنج سال در سال ۱۳۷۵ با مدرک دکترا به ایران بازگشت و تا دوم شهریور ۷۶ به تدریس در دانشگاه مشغول شد. در دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی ابتدا به عنوان معاون وزیر راه و ترابری و مدیرعامل راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد و سپس در دی ماه ۱۳۷۹ به عنوان وزیر راه به مجلس معرفی شد و رای اعتماد نمایندگان را گرفت. اما اردیبهشت ۸۰ و در حالی که بحث‌هایی درباره اشتغال اولی او در دولت دو اصلاحات مطرح بود در پی سقوط هواپیمای جان باخت. هرچند ابهاماتی درباره سقوط هواپیمای او مطرح شد اما در نهایت سازمان هواپیمایی کشوری در اطلاعیه‌ای رسمی علت سقوط هواپیمای حامل ایشان را اشتباه خلبان اعلام کرد.

روزانه از مراکز هسته‌ای گزارش تهیه کرده‌اند. در ۱۷، ۱۶ گزارش آنها هم تأکید شده است که ایران همکاری لازم داشته است اما این اواخر آمریکا و رژیم صهیونیستی به آژانس فشار آوردند و من می‌ترسم این شیدان آژانس انرژی اتمی را آلوده کنند. آنها آژانس را وادار کردند که نیش قبر کند. کار آژانس انرژی هسته‌ای این است که بر فعالیت هسته‌ای نظارت داشته باشد تا این فعالیت‌ها صلح‌آمیز باشد و کار دیگری ندارد اما آمریکا و رژیم صهیونیستی فشار آوردند که آژانس برود یک موضوعی مربوط به ۲۰ سال گذشته را پیدا کند». او ادامه داد: «آنها می‌خواهند آژانس را از مسیر خود منحرف کنند البته پاسخ قاطع دادن برای ما آسان است اما بنای ما همکاری با آژانس است و این مبنا را همچنان حفظ می‌کنیم اما آژانس هم باید توجه کند که از مسیر قانونی خود منحرف نشود. اروپایی‌ها خیلی شرمندۀ ما هستند زیرا به وظایف قانونی خود در برجام عمل نکرده‌اند. آنها تلفنی و حضوری از ما عذرخواهی می‌کنند اما آنها هم نباید خود را آلوده کنند؛ ما چنین توقعی از کشورهای اروپایی نداریم. چین و روسیه در رابطه با بیانیه اخیر آژانس انرژی اتمی خیلی خوب، قاطع و حقوقی عمل کردند. اروپا هم نباید زیر فشار آمریکا برود. آژانس انرژی اتمی هم باید استقلال خود را حفظ کند و رئیس آژانس باید بداند آبروی آژانس برای نظام بین‌المللی اهمیت دارد. ایران همچنان آماده است تا نظارت آژانس را بپذیرد و با آژانس در چارچوب مقررات همکاری داشته باشد».

فتوای امام خمینی (ره) این بود که ارز مال دولت است

او همچنین با بیان اینکه مشکلات پیچیده امروز به‌خاطر کرونا و تحریم‌های ظالمانه آمریکاست، گفت: «کشوری که با این دو مشکل بزرگ و طاقت‌فرسا مواجه است، مشکلاتی هم خواهد داشت، ولی همه باید به خوبی تحلیل کنیم که ریشه مشکلات از کجاست و با کمک هم راه‌حل ارائه کنیم».

روحانی با بیان اینکه صادرکنندگان باید میزان صادرات خود را افزایش دهند، عنوان کرد: «صادرکننده باید بداند که ارز مال دولت است. کالایی که تولید می‌شود به دست مهندسین و کارگران نیست که در مدارس و دانشگاه‌ها آموزش دیده‌اند. انرژی از طریق یارانه به تولیدکننده داده شده است. کارگران با یارانه دولت کمک شده‌اند، بنابراین بخش بزرگی از بار تولید بر دوش دولت است. فتوای امام خمینی (ره) این بود که ارز مال دولت است و قیمت آن باید توسط دولت مشخص شود. صادرکنندگان موظف هستند ارز را برگردانند. ما اجازه نمی‌دهیم عده‌ای بخواهند از این شرایط سوءاستفاده کنند. اگر کسی بخواهد سوءاستفاده کند، بانک مرکزی قوه قضائیه وارد عمل می‌شوند».

شاگردوست، چهره دیگری از خود نشان داد. سال‌ها بعد مخالفان وقت اکران فیلم، از حرکت خود تبری جستند و اعلام کردند که اشتباه کردند.

مرد عوضی، فیلمی کم‌دی از محمدرضا هنرمند محصول سال ۱۳۷۶ بود که صدای مخالفان فیلم را بلند کرد. به طوری که برخی از حزب‌اللهی‌ها دیدن این فیلم را بر خود و خانواده خود حرام می‌دانستند. «مرد عوضی» درباره یک مخترع پودر لباسشویی بود که از آسانسور دچار سانحه می‌شود و در یک موقعیت موازی با فرد دیگری در بیمارستان مغزش جابه‌جا می‌شود. هرچند فیلم پر فروش شد؛ اما روزبه‌روز بر مخالفان مدیریت زم افزوده شد. البته عملکرد زم در دوره‌ای با اعتراض هنرمندان مطرح مثل مجید مجیدی همراه شد. مجیدی در کتاب گفت‌وگویش تعریف می‌کند که روزی وارد حیاط حوزه می‌شود و می‌بیند که کلی ماشین در حیاط حوزه پارک شده است. موضوع را جویا و متوجه می‌شود: «آن روزها ۷۰ درصد فعالیت مدیران «حوزه هنری» در بخش اقتصادی متمرکز شده بود. در اصل همه چیز در راستای همان فعالیت‌های اقتصادی معنا می‌شد. از صادرات آب و خاک تا واردات اتومبیل و به انحصار درآوردن فروش سیگار و... توجیه‌شان هم آن بود که این کارها را برای تأمین هزینه‌های فرهنگی انجام می‌دهیم...! سالیق زم هم به سمتی پیش می‌رفت که سینمای تجاری را بیشتر می‌پسندید و این به دلیل نگاه اقتصادی‌ای بود که به‌تازگی در حوزه هنری در حال شکل‌گیری بود». سپس مجیدی مصمم می‌شود که از حوزه جدا شود. او دراین‌باره عنوان کرد: «یک روز تصمیم گرفتم دیگر کارمند حوزه هنری نباشم و همان روز حوزه را بعد از ۱۳ سال کار و حضور مستمر ترک کردم.

روزی روزگاری حوزه هنری می‌توانست بار بخش عمده‌ای از فرهنگ این مملکت را از زمین‌پر بردارد، در زمانی‌که باید این کار را می‌کرد، نکرد و به عوض به امور اقتصادی و مال‌اندوزی روی آورد... چرا نکویم؟! استعدادهایی بودند که به نظم آقای زم با شیوه مدیریتی‌اش به‌سادگی از کنارشان گذشت و... مأموریت آقای زم در آن مجموعه تولید آثار فرهنگی و هنری بود، نه خرید و فروش سیگار و اتومبیل و...!». نکته جالب این است که در دهه ۷۰ فریدون جیرانی گفت‌وگوی مفصلی با زم در مجله هفتگی سینما انجام می‌دهد و در آنجا به سینما به‌عنوان یک صنعت سرگرمی اشاره می‌کند. اما زم مطلقا وجه سرگرمی را نفی کرد و معتقد است که سینما اصلا نمی‌تواند وسیله سرگرمی – به عبارت دقیق وسیله لهو و لعب – باشد! این در حالی است که در سال ۱۳۸۹ زم تهیه‌کننده فیلم «دموکراسی تو روز روشن» به کارگردانی علی عطشانی برای حضور رضا گلزار – بازیگر سینمای تجاری- برای بازی در نقش عزرائیل در یک سکانس مبلغ ۹۰ میلیون تومان دستمزد داد!

ضمن اینکه علنی‌شدن عضویت او در هیئت‌مدیره باشگاه پرسپولیس حواشی‌ای را رقم زد که روزبه‌روز تعداد مخالفان او در فضای حاکمیت بیشتر شد. تا اینکه بالاخره حجت‌الاسلام زم برکنار شد و تمام مدیران بعدی حوزه سعی کردند که عملکردی مانند او نداشته باشند.

روزنه

ازهای درواکنش به مرگ قاضی منصوری:

مقامات رومانی باید پاسخ‌گو باشند

● **شرق:** «مقامات رومانی باید پاسخ‌گو باشند»؛

این پاسخ محسنی‌آزاد را رابطه با پرونده قاضی منصوری است که بعد از اعلام بازداشتش در رومانی در هتل محل اقامت خود به طرز مشکوکی فوت کرد؛ هرچند اصل مرگ او نیز هنوز تأیید نشده و نیاز به تست دی‌ان‌ای و بازگشت جنازه به ایران دارد. در پاسداشت یاد و خاطره شهدای هفتم تیر که در هفته آغازین تیرماه هر سال برگزار می‌شود حجت‌الاسلام محسنی‌آزاد با حضور در برنامه متن حاشیه به تشریح مواضع و عملکرد دستگاه قضا در یک سال گذشته پرداخت. پرونده مرگ مشکوک قاضی متواری در بخارست یکی از سوالاتی بود که این مقام قضائی در واکنش به آن گفت: در ارتباط با پرونده مرگ متهم منصوری مقامات رومانی باید پاسخ‌گو باشند. وی اعلام کرده بود می‌خواهد به ایران بیاید و در اختیار آن دستگاه بوده است. مسئولان قضائی و انتظامی آنجا باید پاسخ‌گو باشند. پاسخ معاون رئیس قوه قضائیه در این رابطه بسیار مختصر بود و فعلا باید منتظر نتایج تحقیقات پلیس رومانی نشست؛ هرچند دادستان رومانی در نامه‌ای به دادستان ایران در تشریح مرگ از واه‌های مرگی سخت و شایده‌بر نام برده بود. در این گزارش به برخورد با جسم سختی اشاره شده است که نمی‌توانست به اثر خودکشی باشد؛ بنابراین احتمال درگیری قبل از پرباش‌شدن مطرح شده است. با توجه به اطلاعاتی که از رومانی هرازگاهی مخابره می‌شود تمامی فیلم‌های مداربسته هتل در اختیار پلیس است و برخی منابع خبری از روشن‌بودن دوربین‌ها در زمان وقوع حادثه خبر می‌دهند و برخی هر بار خاموش‌بودن دوربین‌ها تأکید دارند اما آنجا یکی از فیلم‌ها در اختیار پلیس است، احتمال روشن‌بودن دوربین‌ها بسیار افزایش یافته است. بنابراین انتظار برای الزام پلیس این کشور برای همکاری را نماینده کنسولی ایران برای ارائه اطلاعات دقیق از دلیل مرگ و ارسال مستندات به ایران امر اجتناب‌ناپذیری است و فشار مقامات قضائی ایران می‌تواند در این مسیر کمک خوبی باشد؛ همان‌گونه که بعد از ارسال نامه دادستان کل کشور به دادستان کل رومانی شاهد ارسال جواب تحقیقات پزشکی قانونی به کشور بودیم. قاضی منصوری یک متهم معمولی متواری نبوده؛ او کلید بازگشایی پرونده فساد افرادی است که با دریافت رشوه برایشان اعمال نفوذ کرده و آنها را با حکم تیرم راهی خانه‌هایشان کرده بود و همچنین با انتشار دردلد‌های روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی که در دادگاه او محاکمه شده بودند، احتمال اعمال نفوذ برای محکومیت برخی از افراد با دلایل واهی نیز مطرح شده است و به نوعی این بیم را ایجاد کرده که ابعاد پرونده فساد باید انبساطی طریی در قوه قضائیه بیش از آن چیزی باشد که تاکنون مشخص شده و شاید با ادامه تحقیقات متهمان دیگری نشان به میان بیاید. با توجه به عزم دستگاه قضا برای برخورد با مفسدان، مرگ منصوری هم مانع این رسیدگی‌ها نخواهد شد و شاید کمی دیر اما حقیقت روشن خواهد شد. یکی از انتقادات مهم به دستکاه قضا علنی برگزارنشدن محاکم است که ازهای در ارتباط با برگزاری دادگاه‌های علنی نیز گفت: قانون جلوی انتشار دادگاه‌های علنی را در مقطعی گرفت. یکی از کسانی بودم که فریاد زدم اینکه گفته می‌شود محاکمات علنی باشد، معنایش این است که مردم در جریان قرار بگیرند. وی با تأکید بر اینکه دادگاه‌های علنی گاهی اوقات با نفع متهم یا قاضی است، گفت: تلاش کردیم، در سال ۹۲ قبول شد که چنانچه دادستان کل کشور درخواست کرد و رئیس قوه قضائیه پذیرفت، جریان دادگاه علنی منتشر شود. در سال ۹۷ با توجه به شرایط، بحث استجازه مقام معظم رهبری پیش آمد و اجازه گرفتیم دادگاه‌هایی که براساس تصمیم قاضی علنی برگزار می‌شود، انتشار داده شود. معاون اول قوه قضائیه گفت: الان همه دادگاه‌ها ما علنی نیست و باید بیش از این باشد. تلاش می‌کنم اگر یک دادگاه علنی است و اجازه انتشار داریم، واقعا علنی باشد.

ادامه از صفحه اول

الزامات بازگشت آرامش به لبنان

از منظر جامعه‌شناسی، لبنانی‌ها مردمانی شاد و آسان‌گیر به‌شمار می‌روند. آراستگی ظاهری، علاقه‌مندیی به سرگرمی و تفریح، شادی‌های دسته‌جمعی در فضاهای عمومی در این کشور رایج است و این در تظاهرات هم دیده می‌شود؛ حتی در جنگ‌های داخلی نیز این مسئله دیده می‌شد. اگرچه منابع اقتصادی خاصی به‌جز گردشگری در اختیار لبنانی‌ها نیست، اما به شیک‌پوشی و زندگی راحت مشهور هستند؛ حتی اگر کشور در حال جنگ باشد. مردم با حماسه مقاومت و ایستادگی روزگار می‌گذرانند و درعین‌حال، شادی‌های خود را هم تعطیل نمی‌کنند. همین روحیات باعث شده در این کشور، اعتراض‌ها به معنای مرسوم آن به خشونت کشیده نشود. آسیب به بانک‌ها، مراکز دولتی و بخش خصوصی کمابیش وجود داشت، اما این اعتراض‌ها معمولاً تلفات جانی ندارد. به‌هرحال برای بازگشت آرامش و بهبود امور در لبنان، تغییر سیاست‌ها و رویه‌های دولت در ارائه خدمات به مردم، اهمیت بالایی دارد. باید دولت و ارکان آن به‌گونه‌ای عمل کنند که بستر اعتراض‌ها از میان برود و با تغییر برخی قوانین و رویه‌ها، خدمات بهتری به مردم ارائه شود.